

چگونه با هم‌کلاسی که
فاصله فکری زیادی داریم،
ارتباط برقرار کنیم؟

پادمانا



گاهی کنار دستم نشسته و قد یک وجب هم
فاصله نداریم، ولی انگار کیلومترها از یکدیگر دور
هستیم. انگار حتی زبان یکدیگر را بلد نیستیم که
یک جمله ردوبدل کنیم. این حکایت من و برخی
هم‌کلاسی‌هایم هست که نه دغدغه‌هایمان
شبهه هم است و نه دنیایمان به هم شباهتی
دارد، حتی به شوخی‌های یکدیگر خنده‌مان نمی‌گیرد.





اگر شما هم یکی دو تا از این هم‌کلاسی‌ها دارید، بیایید چند یادآوری مهم را با هم مرور کنیم. اول اینکه وقتی برقراری یک ارتباط ذهن‌تان را این‌گونه مشغول می‌کند از خودتان بپرسید من این ارتباط را برای چه می‌خواهم و دنبال چه چیزی هستم؟





اگر دنبال آرامش هستم که قاعدتاً باید بی‌خیال ارتباط با افرادی بشوم که این‌همه متفاوت هستند. باید سراغ افرادی بروم که شباهت بیشتری با یکدیگر داریم، ولی اگر عاشق چالش و هیجان هستید یا دغدغه اثرگذاری دارید و این توانمندی را در خودتان احساس می‌کنید، پس شما باید برای ارتباط با این افراد حتی اگر چند صد کیلومتر دورتر باشند تلاش کنید.





یک جای مهم ذهنتان این جملات را سنجاق کنید که هیچ وقت شروع ارتباط نباید از نقطه‌ای باشد که با یکدیگر تفاوت دارید، اشتراک ندارید یا بدتر از همه اختلاف دارید. برای قطاری که قرار است حرکت کنید اول ریل‌گذاری را انجام بدهید.





ممکن است زمان زیادی از شما بگیرد، ولی ارزشش را دارد. بعد که از استحکام ریل مطمئن شدید، می‌توانید قطار را حرکت بدهید. منظور اینکه فضای امنی برای یک دوستی صادقانه ایجاد کرده باشید و او در کنار شما احساس راحتی کند.





آدم‌ها همیشه از اینکه آن حوزه‌ای که در آن احساس مهارت می‌کنند یا علاقه دارند توسط یک نفر مورد توجه قرار بگیرد و با آن‌ها صحبت شود احساس خوبی دارند. دنبال علائق آن هم‌کلاسی بگردید.





ممکن است کشف کنید که او مثلاً خیلی اهل فیلم است یا نرم افزارهای ساخت پوستر را بلد است یا ورزشکار است و ... در همین فضا با او شروع به گفت‌وگو کنید و حتی از او مشورت بگیرید. البته خوب می‌دانید که حواستان باشد نقاط ضعف او یا افکار اشتباهش روی شما تأثیری نداشته باشد. خودتان را به خدا بسپارید.





فراموش نکنید برقراری چنین ارتباطی،
صبوری لازم دارد. صبور باشید و آرام آرام
فضای امن دوستی را دست و پا کنید، به
وقتش فرصت اثرگذاری هم فرامی‌رسد.

